

تحلیل حقوقی خشونت علیه زنان با توجه به حقوق بین الملل بشر

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

سمیرا نجفی کشکولی

چکیده

خشونت بر زنان، یکی از گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر است. خشونت وارده بر زنان توجه و حساسیت دولتها و سازمانهای بین المللی را به خود معطوف داشته که باعث شده سندهای متعددی در راستای ممنوعیت خشونتهای مختلف بر زنان به تصویب برسد؛ باید اذعان داشت که در قوانین داخلی ایران نیز حمایت های کم و بیش قانونی از زنان وجود دارد اما پاسخگوی شدت و وخامت جرایم ارتكابی بر زنان ازسوی خانواده یا جامعه نیست. به هر ترتیب گسترش خشونت علیه زنان و دختران در سراسر دنیا، توجه و حساسیت دولتها و سازمان های بین المللی را به مثابه امری مرتبط با حقوق بشر طبیعی به خود معطوف داشته است و همچنین اسناد بین المللی در کاهش یا امحای خشونت بر زنان کارآیی لازم را ندارد بنابراین به موجب ماده ۱ اعلامیه رفع خشونت علیه زنان مصوب ۱۹۹۳: «خشونت علیه زنان عبارت است از هر فعل خشونت بار مبتنی بر جنسیت که به آسیب دیدگی یا رنج جسمانی یا روانی یا جنسی زنان منتهی می شود یا ممکن است منتهی شود. از جمله تهدید ارتكاب اینگونه افعال، اجبار و سلب خودسرانه آزاده، خواه در زندگی خصوصی یا اجتماعی» از این تعریف فوق بر می آید که خشونت ممکن است فیزیکی - جسمانی - یا روانی یا عاطفی یا جنسی و مبتنی بر جنسیت باشد. این درحالی است که در قوانین ایران نشانی از تعریف خشونت یافت نمی شود.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، بی عدالتی، حقوق بشر، حقوق زنان، خشونت روانی و

جسمی

بخش اول: مفهوم خشونت علیه زنان

در تبیین چیستی خشونت، تعریف مورد وفاق وجود ندارد. این بدان سبب است که هر کسی از پایگاه فکری، فرهنگی و اجتماعی خاص به خشونت نگریسته است و یا در مقام تعریف، گونه و یا عرصه ویژه ای از خشونت را در نظر داشته است و یا حتی آنان که خشونت در ساحت معین - خشونت اجتماعی - را به تعریف نشسته اند به دلیل هم زیستی خشونت با زور، قدرت و نیرو، چه بسا داد و ستدهای مفهومی میان آنها صورت پذیرفته و از همین رو در تعریف خشونت گفته شده است، خشونت یعنی: «استفاده از زور» و یا «سوء استفاده از قدرت»^۱ در تعریف های دیگری، خشونت یعنی: «هرگونه تهاجم فیزیکی بر هستی انسان که با انگیزه وارد آوردن آسیب، رنج و یا لطمه زدن همراه باشد»^{۱۵} و یا «کاربرد نیروی فیزیکی و یا تهدید ناشی از کاربرد نیروی فیزیکی که می تواند لطمات جسمی، معنوی، بر شخص یا اشخاص بگذارد»^۲ خشونت در لغت به معنای «درشتی، ناهمواری، تندخویی»^۳ و نابهنجار آمده است و در فعل فارسی معین نیز معادل «پرخاشگری وسخت گیری» قرار گرفته است. بر این اساس، هرگونه رفتار یا گفتاری که متضمن سخت خویی، توهین و غضب باشد خشونت نامیده می - شود؛ هرچند که خشونت به عنوان یک واقعیت اجتماعی و روانی - مفهومی نسبی دارد. مصادیق آن در هر جامعه متناسب با فرهنگ آن جامعه و متفاوت با جامعه دیگر است. به طور کلی می توان خشونت را سوء استفاده از قدرت در جهت اعمال فشار بر دیگران با هر وسیله اعم از ضرب و جرح، رفتار جنسی به عنف، ایداء روحی و هرگونه تهدید و توسل به قدرت با هدف اثبات برتری و دست یابی به خواسته های فردی به نحوی که احتمالاً باعث آسیب های

^۱ - گزارش کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری، به سرپرستی آلن برجنت، ترجمه مرتضی محسنی، به نقل: دکتر غلامحسین الهام، خشونت های قانونی و نظام های سیاسی، کتاب، نقد، ش ۱۴ و ۱۵، صفحه ۳۳.

^۲ - صغر افتخاری، ظرفیت طبیعی امنیت، (مورد مطالعاتی: قومیت و خشونت در ایران) فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ هـ.ش به نقل: دکتر بهرام اخوان کاظمی، امام علی، عدالت و خشونت، کتاب نقد، ش ۱۴ و ۱۵، ۶۹.

^۳ . دهخدا، علی اکبر «لغت نامه» جلد ۲۱

مشخصی، بزیدیده خواهد شد تعریف نمود. از سوی دیگر به تناسب اینکه خشونت با چه اهدافی و به چه نحوی صورت می‌گیرد؟! می‌توان انواع خشونت را مورد شناسایی قرار داد. از جمله می‌توان، به این موارد اشاره کرد: خشونت پنهان در برابر خشونت آشکار، خشونت فردی در برابر خشونت گروهی، خشونت خانگی در برابر خشونت اجتماعی، خشونت هدفمند در برابر خشونت بی‌هدف و خشونت فیزیکی در برابر خشونت روانی را نام برد.

بخش دوم: پیشینه خشونت علیه زنان در اسلام

در قرآن کریم واژه خشونت وجود ندارد. با این حال می‌توان خشونت را مصداقی از ظلم دانست. در تعالیم دینی تأکید فراوان به رعایت حقوق دیگران شده است و همچنین خداوند، فطرت بشری را مبتنی بر عدل قرار داده و ظلم و ستم را تقبیح نموده است. با این توضیح می‌توان در فقه دینوع خشونت را مورد شناسایی قرار داد.

۱- خشونت در حدود قانون که مترادف «مجازات» در حقوق مدرن است.

۲- خشونت خارج از قانون که ناظر بر تعرض به جان، مال و معنویت اشخاص دیگر است.

در مورد نفی خشونت علیه زنان، کهنسالان و برخی از گروه‌های خاص در اسلام، به آیات واحداث متعددی می‌توان اشاره کرد. قرآن کریم، مردان را به مهربانی با زنان سفارش نموده و به نکوهش تهمت و افترا به ایشان پرداخته و آنان را مکلف به حسن معاشرت با زنان نموده است.^۱ با این وجود، موجه داشتن برخی از اشکال خشونت در اسلام مانند جواز توسل به برخی از مجازات‌های اسلامی مانند رجم که حقوق بشر امروزی مدعی مغایرت آنان با کرامت انسانی است؛ که نیازمند بحث‌های عمیق فقهی می‌باشد که به دلیل خارج بودن از موضوع مقاله از آن می‌گذریم.

بخش سوم: انواع خشونت علیه زنان

۱. سوره نساء، آیه ۱۹.

به طور کلی خشونت بر زنان در هر کشوری عموماً با سنت های غیر دینی و دینی آمیخته شده است که ممکن است که خشونت علیه آنها فردی، گروهی، دولتی یا شخصی، اجتماعی، یا خانوادگی فیزیکی یا روانی باشد.

بند اول: خشونت جسمی

یکی از اشکال خشونت بر اساس نتیجه وارده که براساس عنصر معنوی جرم که حاصل شدن نتیجه جرم است خشونت جسمی است که شامل اعمالی نظیر ضرب و جرح، قطع اندام جنسی، هل دادن - کتک زدن - سیلی زدن - قتل و پرتاب کردن اشیاء است. خشونت هایی که نتایج آن، به صورت شکستگی، پارگی عدم توانایی در وضع حمل، سقط جنین و گاهی مرگ مشخص می شود. اینگونه خشونت ها، ممکن است از جانب همسر، پدر، برادر یا خویشاوندان ذکور او یا از سوی مردان (جامعه) اجتماع ارتکاب یابد. اگرچه آمار مشخصی درمورد خشونت های خانگی وجود ندارد و می توان به صراحت ادعا نمود که جامعه در این حوزه با رقم سیاه قابل توجهی روبرو هست. طی تحقیقات به عمل آمده در سالهای گذشته نشانگر این بوده است که در بیشتر شکایات مطروحه از سوی زنان، تکرار، تعدد خشونت منجر به اعلام جرم از سوی آن ها شده است. آنچنان که غالب زنان بزه دیده خشونت، در طرح شکایت خود اظهار داشته اند، که پیش از این بارها مورد ضرب و جرح همسر خود قرار گرفته اند.^۱ بررسی های انجام شده حاکی از آن است که بیشتر زنان به دلایل متعددی از جمله ترس از آبروریزی، طرد شدن از خانواده - خجالت، خطر جانی و همین طور از دست دادن فرزندان و همچنین مشکلات موجود در روند قضایی و اعتقاد به اینکه قانون به نفع مردان است شکایت خود را پنهان می کنند و شرایط خشونت آمیز علیه خود را تحمل می کنند. بدیهی است که احتمال آشکار شدن خشونت زوج نسبت به زوجه به نسبت خشونت مشابه از سوی پدر و یا برادران زن

^۱. رقم سیاه بزهکاری؛ به نسبت میان بزهکاری واقعی که در عالم خارج محقق می شود. و بزهکاری قانونی که در مراجع قضایی منجر به صدور حکم می شود اطلاق می گردد.

^۲. اسدی، لیلا سادات، «مهار خشونت های خانگی از قانون تا اخلاق» بهار ۱۳۸۳

بیشتر است؛ به ویژه آنکه در جوامع سنتی، اعتراض به خشونت پدر و متعاقباً طرح شکایت در خصوص آن، حرمت شکنی کیان خانواده تلقی می‌شود. و زنان بزه دیده، بار دیگر مورد سرزنش بستگان خود قرار می‌گیرند که خود نوع بزه دیدگی دوباره محسوب می‌شود. طی آمارهای بدست آمده^۱ زنانی که در مورد خشونت همسرشان طرح شکایت نموده‌اند در دادسرا و کلانتری اعلام رضایت نموده، آمار مذکور از آن جهت بغرنج است که دقیقاً مشخص نیست به چه دلیل زنان بزه دیده، از شکایت خود صرف‌نظر نموده‌اند و به لحاظ عدم پیگیری زنان یا ارائه نمودن دلایل کافی مختومه شده‌اند. از اینرو می‌توان بدین نتیجه رسید که احتمالاً انصراف چنین زنانی از ادامه تعقیب دعوا بی‌پناهی، عدم استقلال مالی و تهدید زوج یا طرد خانواده‌شان باشد و نه رضایت واقعی!!^۲

بند دوم: خشونت عاطفی

هرگونه رفتار و گفتار خشونت آمیزی که شخصیت بزه دیده را خدشه دار کند، خشونت روانی است. اگر چه خشونت روانی به تناسب آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه متفاوت است. در تعریف خشونت روانی آمده است: هرنوع رفتار و گفتار خشنی است که سلامت روحی و روانی فرد را با خطر مواجه نماید و مصادیق آن عبارتند از انتقاد ناروا و مداوم، اهانت، تمسخر، توهین، فحاشی - تهدید به ازدواج مجدد می‌باشد.^۳ شوهر با استفاده از اقتدار خود با ایجاد ترس و تهدید به اعمال جنسی یا جسمی به منظور وادار کردن زن به انجام عمل و رفتاری مطابق با میل وی «همسر آزاری می‌نماید. و بدین ترتیب روابط خانوادگی بین زوجین و دیگر اعضای خانواده، سست و به سلامت روانی زن، آسیب فراوان وارد می‌شود. از دیگر مصادیق خشونت روانی می‌تواند بی‌اعتنایی، منت‌گذاری، قهر طولانی مدت و سکوت، تهمت، سخت‌گیری، بدگمانی و بی‌اعتمادی، بی‌مهری، منع از اشتغال و ایجاد محدودیت‌های نا متعارف مثل

^۱. اسدی، لیلا سادات، «مهار خشونت‌های خانگی از قانون تا اخلاق» بهار ۱۳۸۳

^۲. منبع پیشین

^۳. کار، مهرانگیز، «پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران»، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۹.

منع زن از معاشرت با دوستان را نام برد. ذکر این نکته ضروری است که برای وارد شدن خشونت روانی بر زنان، الزاماً لازم نیست که خشونت فیزیکی هم وارد شده باشد.

بند سوم: خشونت جنسی

خشونت جنسی به هر نوع رفتار خشن جنسی یک فرد نسبت به دیگری علی رغم مخالفت طرف دیگر اطلاق می شود. عنصر خشونت در عنوان خشونت جنسی، خود نشانگر اجبار و عنف از سوی مرد متجاوز و عدم تمایل از سوی زن بزه دیده است. خشونت جنسی علیه زنان، مصادیق متعددی دارد؛ هرگونه نگاه شهوت آمیز به زنان، تماس بدنی عمدی، تظاهر به انجام اعمال جنسی در حضور زن، آدام ربایی، به منظور تجاوز و انجام اعمال منافی عفت، راه اندازی مراکز فحشا، قاذق زنان، هر نوع بهره برداری تجاری از زنان از قبیل تهیه عکس و فیلم و انتشار آن از طریق رسانه ها، مونتاژ عکس و انتشار آن، حمایت از فاحشگی و تسهیل آن، زنا با محارم، اجبار به رابطه جنسی در زمان عادت ماهیانه و بیماری، از مصادیق خشونت جنسی است. در نهایت می توان شدیدترین نوع رفتار مجرمانه که متضمن خشونت جنسی است را، تجاوز و زنا به عنف دانست. این نوع خشونت در همه جوامع، با اشکال متفاوت به چشم می خورد و هیچ گونه حدود و مرز جغرافیایی و فرهنگی را نمی شناسد. خشونت علیه زنان طبق تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ عبارت است از: «هر عمل خشونت آمیز نسبت به جنس مؤنث و هر فعلی که منجر به ضرر نسبت به زنان یا دردهای جسمانی، جنسی، روانی منجر شود و همچنین تهدید به چنین افعالی، خشونت علیه زنان محسوب می شود.» در مقدمه اعلامیه رفع خشونت از زنان آمده است: «هرگونه عمل خشونت آمیز براساس جنسیت که باعث بروز لطمات و آسیب های جسمی، جنسی، یا روانی یا رنج و آزار زنان و تهدید به انجام این اعمال که منجر به محدودیت اجباری یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در اجتماع یا در زندگی خصوصی می گردد. این اعلامیه با وجود آنکه نخستین سند بین المللی حقوق بشری است که به طور انحصاری به مسئله خشونت علیه زنان پرداخته است صرفاً به ذکر مصادیقی از خشونت مانند تجاوز به عنف، سوء استفاده جنسی، بهره کشی از فحشا سوء استفاده در حمل مواد مخدر،

قتل و شکنجه اسارت جنسی - آبهستن اجباری اکتفا نموده است. و همچنین در چهارمین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۹۵، معروف به اعلامیه پکن کلیه مسائل مربوط به زنان مورد بحث قرار گرفت که ذیل عنوان خشونت علیه زنان در بند ۱۱۳ تعریف دقیقی از آن ارائه شده است: «اصطلاح خشونت علیه زنان به هر فعل خشونت بار مبتنی بر جنسیت اطلاق می‌گردد که به آسیب دیدگی یا رنج جسمانی، روانی یا جنسی زنان منتهی می‌شود و یا ممکن است منتهی شود، از جمله تهدید به ارتکاب اینگونه اعمال، اجبار و سلب خودسرانه آزادی، خواه در زندگی خصوصی و یا زندگی عمومی.»^۱ براساس این تعریف، خشونت علیه زنان با توجه به قید خشونت مبتنی بر جنسیت شناخته می‌شود ولو آنکه عمل خشونت منجر به تحقق واقعی ایجاد صدمه به زنان شود از این روست که حتی تهدید به خشونت که منجر به ایجاد احساس ترس و ناامنی در زنان می‌شود را نیز در بر می‌گیرد که به خشونت جسمی، جنسی، روانی تقسیم می‌شود. این انواع خشونت‌ها می‌تواند هم از سوی جامعه و هم از سوی دولت‌ها رخ دهد. بنابراین سند، اعمالی همچون ضرب و جرح، سوء استفاده‌های جنسی - آزارجنسی در نهادهای آموزشی و خرید و فروش زنان و وادار کردن به روسپیگری و قوادی را قالب خشونت‌های اجتماعی گنجانده است و باید گفت که دولت ایران از این قاعده مستثنی نیست. در ایران زنان در اثر فشارهای سنتی و فرهنگی، پذیرای ستم بر خویشان به گونه‌ای که بخش عمده خشونت برخورد پوشانند و در برخی از موارد، خشونت وارده را ناشی از رفتار نادرست خود و عقوبت اجرا شده را صحیح می‌دانند. عکس‌العملی که خود منجر به تقویت و تکرار خشونت علیه آنان می‌شود. از سوی دیگر در محیط کار نیز، قیّم مآبی مردان و اجتماع و نگرش منفی به نقش اجتماعی زنان در تشدید خشونت علیه آنان مؤثر است.

بخش چهارم: مواضع حقوق بشری و بین‌المللی به رفع خشونت علیه زنان

^۱ اعلامیه مذکور درنهمین کنگره سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در دسامبر ۱۹۹۳ به تصویب رسید.

زنان بدلیل موقعیت آسیب پذیرشان بیشتر در معرض خشونت قرار دارند. از این رو نیازمند حمایت‌های خاص واقتراقی د برابر اینگونه جرایم‌اند. امروزه سازمان‌های بین المللی دولتی و غیردولتی و در رأس آن‌ها، سازمان ملل، نهادها و نمایندگی‌های تخصصی آن، موضوع خشونت علیه زنان را در دستور کار خود قرار داده‌اند به ویژه اینکه این نهادها با داشتن اعتبارات مالی و با استفاده از متخصصین قادرند نقش مهمی را در جمع‌آوری اطلاعات راجع به این پدیده و متعاقباً ارایه راهکارهای مناسب ایفا نمایند. این سازمانها اصولاً با تشویق برنامه‌های حمایتی که توسط دولتها و یا سازمان‌های غیردولتی اداره می‌شود، تاکنون در تمام دنیا، اقدامات موثری انجام داده‌اند. موضوع خشونت علیه زنان را امروزه سازمان‌های بین المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد، نهادها و بانک جهانی در دستور کار خود قرار داده‌اند. برنامه‌های آنان ارتباط بین حقوق بشر، بهداشت و مشارکت زنان عرصه‌های سیاسی و فرهنگی را با شرایط گسترده‌تر خشونت علیه زنان به عنوان موضوعی توسعه یافته برقرار می‌کند. و یکی از اهداف مهم و کلیدی تشکیل سازمان ملل را باید تعهد به فرهنگ صلح دانست که هسته اصلی فعالیت‌های آن در سه حوزه صلح و امنیت، توسعه پایدار و حقوق بشر شکل گرفته است. و این نهادها فعالیت‌های خود را بر چهار رکن اصلی استوار کرده است که عبارتند از: « برقراری امنیت و عدالت مقابله با خشونت مبتنی بر جنسیت و تعارض جنسی، افزایش مشارکت زنان در فرآیند صلح و فعالیت‌های بشردوستانه» و در همین راستا سازمان ملل متحد اقدام به تهیه و تصویب اسنادی در جهت تمی خشونت علیه زنان و حمایت از زنان در برابر خشونت نموده است.

بند اول: اعلامیه رفع خشونت علیه زنان

در دسامبر ۱۹۹۲، کمیسیون مقام زن، یک گروه اجرایی میان دوره‌ای را برای تهیه پیش‌نویس اعلامیه رفع خشونت علیه زنان دعوت نمود. هیاتهای نمایندگی ۴۸ کشور عضو شرکت کننده در این اجلاس از ۴۱ مرد و ۵۸ زن تشکیل شده بودند. گروه مذکور به اتفاق آراء متن پیش-نویس اعلامیه را مورد تصویب قرار داده و مجمع عمومی نیز طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ د دسامبر

۱۹۹۳ آن را تصویب نمود. اعلامیه فوق الذکر دارای یک مقدمه و شش (۶) ماده است و می-توان آن را تحسین سند بین المللی که به طور خاص به خشونت علیه زنان پرداخته است دانست. بدین ترتیب روز ۴ آذر که روز اعلامیه جهانی حذف خشونت علیه زنان بوده است را روز مقابله با خشونت علیه زنان نامیده‌اند در قسمتی از این اعلامیه به حمایت از برخی از گروههای زنان از جمله زنان متعلق به گروه‌های اقلیت، زنان بومی، زنان پناهنده و زنان مهاجر و زنانی که در مناطق روستایی یا دور افتاده زندگی می‌کنند و همینطور زنان معمول و ناتوان و کهنسال و زنان در مناطق جنگی به طور ویژه در مقابل خشونت آسیب‌پذیر هستند پرداخته است. همچنین اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در مقدمه خود، این درک و شناسایی بین المللی را تصدیق می‌کند که خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر و درحقیقت شکلی از تبعیض نسبت به زنان است. نکته قابل ملاحظه در این اعلامیه آن است که صرفاً به تقبیح خشونت بر زنان نیست بلکه راهکارهایی به منظور مبارزه با همه اشکال خشونت نسبت به زنان را توجیه می‌کند. این تدابیر را می‌توان به تدابیر قانونی، تدابیر حمایتی و تدابیر آموزشی تقسیم نمود که در ادامه به بررسی هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود. یک سوال در اینجا مطرح می‌باشد و اینکه چرا ۲۵ نوامبر را چرا روز جهانی مقابله با خشونت علیه زنان نام گذاری شد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت: پیشترها، در کشورهای آمریکای لاتین و شماری دیگر از کشورهای دنیا روز ۲۵ نوامبر تحت عنوان «روز جهانی خشونت از زنان گرامی داشته می‌شد که در آن گرد همایی، زنان شرکت کننده خشونت سیستماتیک نسبت به زنان از ضرب و جرح‌های خانگی تا تجاوز و آزار جنسی تا خشونت‌های دولتی همچون شکنجه و بدرفتاری با زنان زندان سیاسی را محکوم کرده و روز ۲۵ نوامبر را به عنوان گرامیداشت خاطره خواهران «میرابال» تعیین نموده‌ند. که این روز در اصل روزی است که سه زن آزادی‌خواه در دومینیک در سال ۱۹۶۰ در دوران دیکتاتوری «رافائل تراخیلو» به قتل رسیدند. از آن پس به مناسبت گرامیداشت خاطره آن و نیز آگاه نمودن افکار عمومی از اعمال خشونت علیه زنان، روز ۲۵ نوامبر مورد توجه قرار گرفت.»

بند دوم: کارپایه عمل پکن ۱۹۹۵

« چهارمین کنفرانس جهانی زن در چهارم دسامبر ۱۹۹۵ میلادی برابر با ۱۳ شهریور ۱۳۷۴ شمسی با حضور نزدیک به ۱۷۰۰۰ نفر شرکت کننده، از جمله ۶ هزار نماینده ۱۸۹ کشور جهان بیش از ۴۰۰۰ نماینده سازمان های معتبر غیردولتی و انبوهی از کارمندان خدمات بین المللی و ۴ هزار نماینده رسانه ها برگزار گردید» و^۱ «در ۱۵ سپتامبر برابر با ۲۴ شهریور ماه با صدور یک اعلامیه و تصویب یک سند نهایی به کار خود پایان داد». اعلامیه این کنفرانس در ۳۸ بند و کارپایه عمل آن در ۳۶۱ بند به عنوان برنامه عمل در ۱۲ محور بحرانی شامل: زنان و فقر، آموزش و پرورش زنان، زنان و بهداشت، مهم تر از همه خشونت علیه زنان و زنان و مناقشات مسلحانه، زنان و اقتصاد، مکانیسم های نهادین برای پیشرفت زنان، زنان در قدرت و تصمیم گیری، حقوق بشر مربوط به زنان، زنان و رسانه های گروهی، زنان و محیط زیست و کودکان دختر و سرانجام اقدامات اساسی و ترتیبات مالی که باید در سطوح ملی و منطقه ای و بین المللی اتخاذ گردد تنظیم شده است. قسمت (د) کار پایه پکن به بحث پیرامون جرایم خشونت آمیز نسبت به زنان اختصاص دارد. در بند ۱۱۲ آمده است: «خشونت علیه زنان مانعی در برابر دستیابی به اهداف برابری، توسعه و صلح است. این خشونت، برخورداری زنان را از حقوق بشر و آزادی های بنیادین نقض، تضییع یا سلب می کند. ناکامی دیرینه در حفظ و ارتقای این حقوق و آزادی ها در موارد خشونت علیه زنان مایه نگرانی همه کشورها است و باید به مقابله با آن برخاست. شناخت علل و پی آمدها و نیز موارد بروز آن و اقداماتی که برای مبارزه با آن باید معمول داشت از کنفرانس نایروبی به این سو سخت گسترش یافته است. زنان و دختران کم و بیش در همه جوامع در معرض سوء استفاده های جسمانی، جنسی و روانی قرار می گیرند که مرزهای درآمد، طبقه و فرهنگ را در می نوردد. منزلت نازل اجتماعی و اقتصادی زنان می تواند در آن واحد علت و خشونت علیه زنان باشد.»^۲ کنفرانس پکن برای مبارزه با خشونت

۱. سند چهارمین کنفرانس جهانی زن، کارپایه عملی و اعلامیه پکن، ترجمه علی آرین و عیل میر سعید قاضی، تهران، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵، صفحه ۹.

۲. منبع پیشین، صفحه ۷۴

۳. منبع پیشین، صفحه ۹۰.

علیه زنان و پیشگیری از آن و حمایت از زنان در مقابل جرایم در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی راهکارهایی را ارائه نموده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. هدف از این اقدامات، اتخاذ تصمیمات هماهنگ در راستای پیشگیری و امحای خشونت بر زنان اعلام شده است. به همین منظور، براساس قسمت (الف) بند ۱۲۴ اعلامیه، دولت‌ها به محکوم کردن اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان و خودداری از استناد به عرف یا ملاحظات دینی متعهد شده‌اند. این بدان معنا نیست که اعلامیه به ارزش‌های اخلاقی و مذهبی هیچ‌گونه پابندی ندارد. آنچنان که در بند ۹ خود اعلام می‌دارد که هدف این کارپایه توانمندسازی زنان است درعین حال باید اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و زمینه‌های گوناگون تاریخ، فرهنگی و مذهبی کشورها را لحاظ داشت. همچنین دولت‌ها براساس قسمت (ب) بند ۱۲۴ اعلامیه مذکور، از اعمال خشونت نسبت به زنان ممنوع و ملزم شده‌اند که مساعدت مقتضی برای پیشگیری، تحقیق و کیفر اعمال خشونت‌آمیز نسبت به زنان براساس قوانین داخلی‌شان اعم از این که مرتکبین آن، خود دولت یا اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی باشند، به عمل آورند. براساس کار پایه عمل پکن اقدامات قانونی دولت‌ها برای محکوم نمودن خشونت علیه زنان شامل وضع قوانین و تشدید آنها در زمینه امور جزایی، مدنی، شغلی و اداری و نیز جبران خسارت‌های زنان قربانی خشونت در خانه، محل کار و یا اجتماع است. در این راستا دولت‌ها ملزم و متعهد به بازنگری و اصلاح دوره‌ای قوانین مربوط به محکوم کردن خشونت علیه زنان و تطبیق قوانین مذکور با مقتضیات زمان می‌باشند. نکته بسیار مهمی که اعلامیه در آن ذکر کرده است. لزوم پرداخت غرامت و حتی جبران خسارات احتمالی درآینده و درمان بزه‌دیدگان و سلب توانایی از مرتکبین این گونه خشونت‌ها می‌باشد؛ به عبارت دیگر در این معاهد بین‌المللی به لزوم جبران خسارات بالفعل اکتفا نشده بلکه جبران خساراتی که جنبه بالفعل نداشته و احتمال بروز آنها درآینده وجود دارد (خسارات احتمالی) نیز، مورد توجه قرار گرفته است. از این جهت می‌توان سند مذکور را نسبت به اعلامیه رفع خشونت علیه زنان ۱۹۹۳، دارای نوآوری دانست. از دیگر اقدامات قانونی که دولت‌ها باید به منظور مبارزه با خشونت علیه زنان به عمل آورند در قسمت ط بند ۱۲۴، وضع و اجرای قوانین علیه مرتکبین رویه‌ها و افعال خشونت‌آمیز بر زنان مانند قطع

آلت جنسی زنان، کشتن نوزادان دختر، گزینی قبل از زایمان، خشونت های مربوط به جهیزیه و بذل حمایت پرتوان از تلاش های سازمان های غیردولتی و سازمان های درون اجتماع در امحای همه اشکال خشونت بر زنان است. در بحث پیرامون انواع خشونت ها اشاره کردیم که گاه خشونت توسط مجریان قانون علیه زنان ارتکاب می شود و یا خشونت ارتكابی از سوی افراد توسط مجریان قانون نادیده انگاشته می شود. کارپایه عمل پکن در این راستا نیز راه کارهایی پیشنهاد نموده که در قسمت (س) بند ۱۲۴ متبلور شده است؛ بدین شرح که دولت ها باید به وضع قوانین، در صورت لزوم و تقویت قوانین موجود در جهت کیفر اعضای پلیس، نیروهای امنیتی یا دیگر کارگزاران دولت که در جریان انجام وظایف خود مبادرت به اعمال خشونت علیه زنان می نمایند، بازنگری قوانین موجود و اتخاذ اقدامات مؤثر علیه مرتکبین این گونه خشونت ها اقدام نمایند.

بند سوم: اجلاس پکن +۵

بیست و سومین نشست ویژه معجم عمومی سازمان ملل، « زنان، ۲۰۰۰ برابری جنسی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱ » در تاریخ ۹ تا ۵ ژوئن سال ۲۰۰۰ در نیویورک برگزار شد و در آن، اعلامیه سیاسی و سند نهایی به نام « اقدامات و ابتکارات بیشتر برای اجرای اعلامیه و کارپایه عمل پکن » تصویب شد. اعلامیه مذکور مشتمل بر بیش از ۲۰۰ پاراگراف در چهار بخش شامل مقدمه، دستاوردها و موانع، چالش های جاری و اقدامات در سطوح مختلف به تصویب رسید. « این اجلاس با حضور ۱۸۸ هیأت دولتی و ۱۲۵۰ نماینده از سازمان های غیردولتی کشورهای مختلف در مقر سازمان ملل برگزار گردید. از ایران نیز یک هیأت دولتی به ریاست خانم دکتر زهرا شجاعی مشاور رئیس جمهوری و رئیس مرکز امور مشارکت زنان در این اجلاس شرکت کردند. که متشکل از ۵ نفر از مراکز امور مشارکت زنان و ۲ نفر از وزارت امور خارجه بود. و در راستای اعلامیه و کارپایه عمل پکن باید افزود که یکی آنرا استثنایی ترین اسنادی است که از تجمع دولت ها متبلور شده و از زمان ایجادش زنان به طور چشمگیری پیشرفت کرده اند. هرچند خشونت علیه زنان امروزه یک عمل غیر قانونی در همه کشورها محسوب می شود اما

هنوز زمان متحمل بار نامناسب فقر- بی سوادی- سوء تغذیه و خشونت هستند این مطلب واضح است که با وجود پیشرفت‌های که به عمل آمده کارهای زیادی هنوز باقی مانده در جهت رسیدن به برابری بین زنان و مردان»

بخش پنجم: کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان

کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در ۳ سپتامبر با گذشتن سی روز از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب لازم‌الاجرا گردید. کنوانسیون مذکور به انواع تبعیض‌هایی که علیه زنان صورت می‌گیرد، اشاره می‌کند و آنها را در بر می‌گیرد. یکی از نکاتی که مورد توجه کنوانسیون می‌باشد مسئله پیشگیری از استثمار و بهره‌کشی از زنان در اشکال گوناگون است. ماده ۶ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو، کلیه اقداماتی مقتضی از جمله وضع قوانین را به منظور جلوگیری از حمل و نقل غیرقانونی و بهره‌برداری از روسپیگری زنان به عمل خواهند آورد». در کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، تنها یک ماده یعنی ماده ۶، به بحث پیرامون بهره‌کشی و استثمار زنان پرداخته است. با این حال، با توجه به مفاد آن می‌توان چنین استنباط نمود که ماده ۶، فقط به وضع قوانین مرتبط با بهره‌کشی جنسی زنان اکتفا نکرده و تمامی اقدامات لازم در پیشگیری از روسپیگری را خواستار شده است. در این ماده از دولت-ها خواسته شده است که:

«۱- کشورها به منظور جلوگیری از خرید و فروش زنان به هر شکلی و بهره‌کشی به شکل روسپیگری به همه اقدامات از جمله وضع قوانین توسل جویند.

۲- خرید و فروش زنان به مفهوم گسترده تعریف شود، به طور کلی بردگی جنسی را در ارتش و به شکل کلی، فریب زنان مهاجر و در سفارش زن از راه دور، و ازدواج‌های دروغین رادر برگیرد.

۳- اقدامات لازم جهت ممانعت از روی آوردن زنان و دختران به روسپیگری برای تأمین معاش به عمل آید».

نتیجه گیری

بدون شک، در طول تاریخ و در همه فرهنگ‌ها، استیلاي مردان بر زنان وجود داشته و تبعیضات و ستم‌های فراوانی در مورد آن‌ها اعمال شده است. خشونت بر زنان، یکی از گسترده‌ترین موارد نقض حقوق بشر است که در اشکال مختلفی نمود پیدا می‌کند؛ خشونت‌های خانگی، تجاوز جنسی، سلطه‌گری و برده‌داری، بردگی جنسی، خرید و فروش، وادار کردن به روسپیگری‌های اجباری، قتل‌های ناموسی، جنسیت‌گزینی جنین، قطع اندام‌های جنسی، ایراد ضرب و جرح، بارداری ناخواسته، توهین و تعرض و تجاوزات جنسی نظام‌مند در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و داخلی، تنها نمونه‌هایی از این خشونت‌هاست و هم‌اکنون نیز خشونت بر میلیون‌ها زن از هر سطح و طبقه اجتماعی، اقتصادی و با هر میزان تحصیلات سایه افکنده است. این امر، توجه و حساسیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را به خود معطوف داشته و مقوله‌نامه‌ها و سند‌های بین‌المللی متعددی در راستای ممنوعیت خشونت‌های مختلف بر زنان تصویب شده است. با وجود این اسناد و تلاش سازمان‌های بین‌المللی و یا سازمان‌های غیردولتی، همچنان در سراسر دنیا، شاهد نقض حقوق انسانی زنان هستیم. از یک سو مشکلات اجرایی اسناد بین‌المللی به ویژه فقدان ضمانت اجرای کارآمد در نظام بین‌المللی کیفری و از دیگر سو عدم همکاری مؤثر دولتها به دلایل متفاوت، مانع اجرای مفاد اسناد بین‌المللی و در نهایت مانع رفع خشونت بر زنان به نحو مؤثر شده است. اگرچه نمی‌توان از تأثیر شایان اسناد مذکور و تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی در گسترش مفاهیم حقوق بشری در میان اقوام و ملل متفاوت، چشم‌پوشی نمود. یکی از عوامل مهمی که در خشونت بر زنان تأثیر گذار هست محیط نامناسب همچون محیط کار یا محیط خانوادگی یا محیط اجتماعی که زن احساس امنیت نمیکند و همچنین فقر و سستی‌هایی که از دیر باز نهادینه شده است که مثال بارز آن شهرهای جنوب ایران میباشد که به علت فقر زنان و دختران خود را برای ازدواج به کشورهای همسایه

می فروشند. رفتار جوامع یا برخورد اطرافیان قربانی (زن) که باعث خشونت بر قربانیان میشود و آنان برای حفظ آبروی خود وترد نشدن از خانواده به پنهان کاری بزه انجام شده روی میاورند. در قوانین داخلی ایران نیز، هرچند حمایت‌های کم و بیش قانونی از زنان وجود دارد اما پاسخگوی شدت و وخامت جرایم ارتكابی بر زنان از سوی خانواده یا جامعه نیست. به عنوان نمونه، علی‌رغم وجود انکارناپذیر خشونت‌های خانگی در ایران به ویژه در خانواده‌های سنت‌گرا، حمایت قانونی ویژه - حتی در تعریف و بیان مصادیق خشونت خانگی - وجود ندارد و در صورت تحقق آن صرفاً مراجعه به قوانین عام کیفری امکان‌پذیر است. همچنین است عدم وجود حمایت‌های کیفری در خصوص ازدواج‌های اجباری یا ازدواج‌های سنتی با عنوان «خون‌بست» یا «ناف‌بر» که موجب ورود آسیب‌های شدید جسمی و روانی بر دختران می‌شود. پرواضح است که مواد پراکنده کیفری به درستی نمی‌تواند مانع تحقق خشونت یا کاهنده آن باشد. بلکه ساز و کارهای حمایتی تنها در پرتو یک سیاست جنایی افتراقی و منسجم، کارآمد خواهد بود؛ به عبارت دیگر حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه و در معرض خطر و نیز بزه‌دیدگان خشونت، با اقدامات سازمان‌یافته و هماهنگ توسط جامعه مدنی، و دولت قابل دستیابی است. از یک سو جامعه مدنی همان نهادها و سازمان‌های غیردولتی، خانواده، مدرسه و رسانه‌های گروهی در بالا بردن سطح آگاهی به زنان در خود باوری، مراقبت از خود و تغییر شیوه زندگی خطرناک برخی از ایشان و همچنین آموزش مفاهیم حقوق بشری و کرامت انسانی برای عموم افراد، نقش مهمی در پیشگیری یا کاهش خشونت بر زنان خواهد داشت. ضمن آنکه نهادهای مدنی می‌توانند با در نظر گرفتن تسهیلات کافی برای بزه‌دیدگان خشونت، امکان طرح شکایت و پیگیری آن را داشته باشند. از دیگر سو، دولت در معنای عام، با تدابیر تقنینی، اجرایی و قضایی مبنی بر حمایت از زنان اقدام خواهد نمود.

منابع و مآخذ

الف) کتاب ها

- ۱- عظیم زاده، شادی، «حقوق جزای عمومی و اختصاصی مطابق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، تابستان ۱۳۹۲.
- ۲- اعزازی، شهلا، «خشونت خانگی و زنان کتک خورده»، انتشارات سالی، چاپ یکم، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳- بسته نگار، محمد، «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، انتشارات سهامی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، «ترمینولوژی حقوق»، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۷۷.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، جلد ۲۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۶- گسن، ریموند، «جرم شناسی کاربردی»، برگردان مهدی کی نیا، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ یکم، تهران، ۱۳۷۰.
- ۷- میرمحمد صادقی، حسی، «دادگاه کیفری بین المللی» (مجموعه مقالات)، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷.
- ۸- دکتر عظیم زاده، شادی، «حقوق کیفری مطابق با قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، مقاله ها، تابستان ۱۳۹۳.

ب) مقاله ها

- ۱- احمدیه، مریم، و بداغی (فاطمه)، «جرایم علیه خانواده، در پژوهشهای میدانی، کاستی ها و پیشنهادها»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، پاییز ۱۳۸۲).

- ۲- اسدی، لیلا سادات، «مهار خشونت های خانگی از قانون تا اخلاق»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، بهار ۱۳۸۳.
- ۳- دبیرزاده، الهه، «پیشگیری از بزه دیدگی جنسی»، کتاب زبان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، خرداد ۱۳۸۵.
- ۴- عظیم زاده، شادی، «پیامدهای جلوه های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه دیده خشونت»، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- ۵- میرمحمد صادقی، حسین، «حقوق کیفری بین المللی و خشونت علیه زنان»، بهار و تابستان ۱۳۷۹.
- ۶- بیک زاده، ابراهیم، «بررسی جنایت نسل کشی و جنایت بر ضد بشریت».
- ۷- محقق داماد، آیت الله سیدمصطفی، «حدودزمان ما، اجرا یا تعطیل؟»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶-۲۵، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- ۸- رمضان نرگسی، رضا، «تجاوز و بزه دیدگی زنان»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان) شماره سوم، خرداد، ۱۳۸۵.

